

۱۵۰

اتل و متل

نشریه کودکان ایران | سال سیزدهم | آذرماه ۱۴۰۳ | قیمت ۱۵۰۰۰ تومان

پلیس مهربون
همراه با مسابقه عکس و جایزه



پیام سرهنگ طهماسبی، معاون فرهنگی و اجتماعی پلیس استان خراسان رضوی:



به نام خدا

بچه های مهربون

پلیس دوست شما و همراه شماست
ما یک مسابقه هم براتون داریم.
به **۴۰** عکس ارسالی برتر که با
پدرو مادرتون بگیرید



و به شماره **۰۹۳۸۱۳۳۴۴۷۴**

ارسال کنید هدایایی تعلق می گیرد.





- داستانک ۲
- شعر ۳
- داستان تصویری ۴
- کاردستی ۵
- ماز ۶
- پیدا کنید ۷
- داستان ۸
- شعر عربی ۱۰
- هواداران اتل و متل ۱۱
- حرف های بچه ها ۱۲

مدیرمسوول و صاحب امتیاز دکتر علی خسروشاهی
سردبیر لیلا خیامی
صفحه آرا محمدرضا شوشتری
ویراستار زهرا امیری فر
اتل و متل نیمه هرماه منتشر می شود.

همه ی بچه ها و بزرگترها می توانند با اتل و متل همکاری کنند و آثارشان را ارسال نمایند.
حق ویرایش آثار رسیده برای اتل و متل محفوظ است.
نقل از اتل و متل با ذکر مأخذ و نام صاحب اثر آزاد است.

نشانی مشهد، احمدآباد، خیابان قائم ۱۴، پلاک ۴۶، طبقه همکف
تلفن و نمابر: ۰۵۱-۳۸۴۳۷۷۱۱ - ۳۸۴۱۶۵۸۴
تهران، پاسداران، بوستان ۸، پلاک ۴۶، طبقه ۷

تلفن و نمابر: ۰۲۱-۲۲۷۶۰۸۹۷ پیامک: ۳۰۰۰۷۹۸۱

www.Atalvamatal.ir info@Atalvamatal.ir

آدرس تلگرام نشریه اتل و متل: @atalvamatal

وای وای وای!

*غلامرضا تدینی راد

گنجشک کوچولو تصمیم گرفت پلیس بشه، این جوری با بچه‌ها دوست بشه. یه کلاه قشنگ روی سرش گذاشت و یه سوت کوچولو هم برداشت. بال زد و پرواز کرد. روی لبه‌ی دیوار نشست. بچه‌ها توپ بازی می‌کردن. اونا رو دید و سوت زد. رفت جلو و گفت: «بچه‌ها مراقب باشین، کوچه و خیابون جای بازی نیست. چرا دنبال توپ، دویدن تو خیابون؟ اگه یه ماشین و موتور یا دوچرخه یه دفعه سر برسه، می‌دونین چی می‌شه؟ وای وای وای، وای وای وای!»



شعر

دزدا چه شکلی ان مگه؟
جوراب دارن رو سر شون؟
عجیب غریبه شکلشون؟
بداخلاقن یا مهربون؟

دزد

نه بابا، این جور چیزا نیست
دزدا فقط یه آدمن
هیچی علامت ندارن
آدما هم مثل همین

* الهام حسینی

سخته که بشناسیمشون
وقتی باشن میون ما
بهتره پس دور بمونیم
همیشه از غریبه‌ها



شجاعت

کیفت رو محکم بغل کردی. حتماً توش چیز مهمی داری.



چی شده؟
انگار خیلی ترسیدی؟



این کیف دیگه
کیف منه.



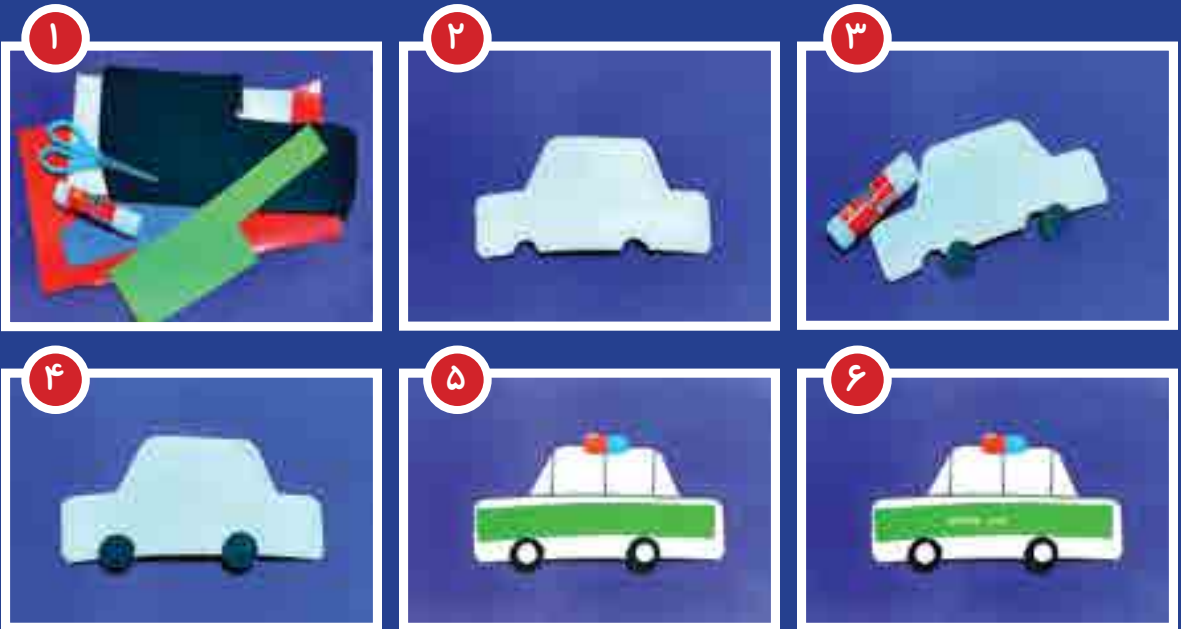
بده بینم کیفیت رو.



بعضی وقت‌ها اگر حتی یک کمی ترسیدید، ترستان را توی دلتان مخفی کنید و شجاع باشید. اگر ضعیف باشید و بترسید زور گوها اذیتتان می‌کنند.

ماشین پلیس

کار دستی



حتماً تو هم مثل همه‌ی بچه‌ها ماشین پلیس را دوست داری. پس دست به کار شو و یک ماشین پلیس برای خودت درست کن. یک مقوای بردار و شکل یک ماشین را رویش بکش. شکل را با کمک قیچی برش بزن. برای ماشین چرخ و چراغ رنگی برش بزن و با چسب سر جای‌شان بچسبان. با کاغذ رنگی باریک یا چسب نواری رنگی یک نوار رنگی درست کن و روی بدنه‌ی ماشین بچسبان؛ سبز یا آبی. حالا یک ماشین پلیس داری، به همین راحتی.



به پلیس کمک کن تا دزد را دستگیر کند.

پیدا کنید

این جا همه چیز به هم ریخته
و بی نظم است. تو پلیس باش
و اشتباهات این تصویر را پیدا
کن و نظم را برقرار کن.



اتل و مثل

از کدام طرف برویم؟!

*امیر پور حسین

داستان

خرسی و سنجابی رفتند بازی کنند. چشم گذاشتند و
قایم شدند، چشم گذاشتند و قایم شدند و حسابی دور
دور شدند. آن قدر دور که گم شدند. خرسی گفت:
«از کدام طرف برویم تا به خانه برسیم؟» سنجابی دم
قهوه‌ای فندق‌اش را تکان داد و گفت: «من از کجا
بدانم! من اصلاً این جا را نمی‌شناسم!» خرسی آهی
خرسانه کشید و گفت: «نباید این قدر از خانه دور می‌شدیم.» خرسی
و سنجابی با ناراحتی روی تخته سنگی بزرگ نشستند و دوتایی هی
غصه خوردند. تازه می‌خواستند شروع کنند به گریه کردن که
صدایی از دور شنیدند. یک صدانه دو تا صدا را شنیدند. یکی خرسانه
و بزرگ و یکی سنجابی و کوچک. بله، صدای مامان خرسی و مامان
سنجابی بود که فریاد می‌زدند: «خرسی، سنجابی کجایی؟» خرسی

و سنجابی تا صدای مامان‌ها
را شنیدند، حسابی خوش حال
شدند. رفتند دوتایی روی تخته

سنگ بزرگ ایستادند و شروع کردند به داد و فریاد
کردن: «آهای، ما این جاییم.» خیلی طول نکشید که
سر و کله‌ی مامان خرسی و مامان سنجابی از بین
درخت‌های جنگل پیدا شد. خرسی و سنجابی تا
آن‌ها را دیدند، از تخته سنگ پایین آمدند و دویدند
بغل مامان‌ها. سنجابی بغل مامان خرسی و خرسی
بغل مامان سنجابی. امانه، ببخشید اشتباه شد!
سنجابی بغل مامان سنجابی و خرسی بغل مامان
خرسی. بعد هم چهارتایی راه افتادند تا زودتر به
خانه برگردند.



شعر عربی

ضوء أخضر،
ضوء أحمر

آداب السیر محبّبة
ولها بالشارع أنظمة
ضوء أخضر یعنی امش
ضوء أحمر قف لا تمش
دربّ فی آداب السیر
لن أنساه طول العمر

ترجمه:

چراغ سبز،
چراغ قرمز

مقررات رد شدن از خیابان خوب است
قوانینی در خیابان وجود دارد
چراغ سبز به معنای رد شدن از خیابان است
چراغ قرمز یعنی توقف کنید، رد نشوید
این‌ها مقررات رد شدن از خیابان است
من این‌ها را تا آخر عمر فراموش نمی‌کنم

ویژه آبان ماه

هواداران

اتل و متل

بچه ها اگر شما هم از حوزه ایران اتل و متل هستید می توانید همکاران را به اینستاگرام ما در اینستاگرام پیوسته کنید



نیلوفر نژاد عباس
از مشهد



پرنیا جعفری
از مشهد



حسین زهره وند
از تهران



کوروش نیک فرجام
از مشهد



سراج و زین العابدین
از حله



مهسا نایب زاده
از مشهد

خیلی از بچه‌ها دلشان می‌خواهد بزرگ که شدند، پلیس شوند و دزدها را دستگیر کنند. نظر بچه‌های یکی از مناطق حاشیه‌ی شهر را در این باره پرسیدم و بچه‌ها جواب‌های جالبی دادند:

محمدحسین ۹ ساله گفت: «من دلم می‌خواهد بزرگ شدم فوتبالیست شوم اما پلیس شدن را هم دوست دارم. شاید یک پلیس فوتبالیست شدم.»

میلاد ۸ ساله گفت: «پلیس‌ها خیلی شجاعند و از دزدها نمی‌ترسند برای همین من هم دلم می‌خواهد پلیس شوم.»

متین ۹ ساله هم گفت دوست دارد پلیس راهنمایی رانندگی شود و سر چهارراه سوت بزند و به ماشین‌ها بگوید کی حرکت کنند و کی توقف کنند.

امیرعلی ۷ ساله گفت: «من تفنگ و دستبند پلیس اسباب‌بازی دارم. همیشه با برادرم دزد و پلیس بازی می‌کنیم. من پلیس می‌شوم و می‌دوم و او را دستگیر می‌کنم.»

سینا ۸ ساله گفت: «ماشین پلیس خیلی قشنگ است. دلم می‌خواهد بزرگ که

شدم، پلیس شوم و با ماشینم آژیر بکشم و دزدها را تعقیب کنم.»

مهدی ۹ ساله هم گفت:

«پلیس‌ها کارشان خیلی مهم است. اگر نباشند همه جا پر از خلافکار و دزد می‌شود و همه چیز به هم می‌ریزد. من عاشق اینم که در آینده پلیس شوم.»



*راستی نظر شما درباره‌ی

پلیس شدن چیست؟ می‌توانید

نظرتان را بنویسید و برای ما به

آدرس مجله ارسال کنید.

مزرعه نَاب

Mazrae Naab



نان ناب حسی ناب مزرعه ناب

بزرگترین تولید کننده نانهای حجیم
نیمه حجیم ، مسطح ، شیرینی لایه ای
و یک در لایه کلنور و با ظرفیت
تولید روزانه ۵۰ تن

مشهد - بزرگراه آسیایی بعد از سه راه فردوسی کوچه شهید یزدی - کارخانه نان مزرعه ناب مشهد

مهربان

پلیس



خدمت به شما افتخار ماست

ارادتمند و خدمات بومی و بانکی در سراسر کشور

روابط عمومی



www.melalbank.ir